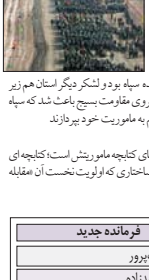

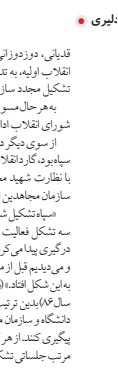

هره

انده سپاه سیدالشهدای استان تهران

ه ماندگار

ن مهرابی ●

ای استان تهران برای آنان
قابل توجه بود. او در بین
ت. با وجود سمت‌های
ر سال ۸۴ کمتر می‌توان
اندهی لشکر مخصوص
ل شده است اما او حضور
رامی‌های کردستان به این
ه داشت. آشنایی او با عزیز
به همراه تعداد دیگری از
ن گروه‌های سیاسی نیز دارای مقبولیت است هر چند او نیز جزو
انشگاه تهران بوده است. او در سخنان خود به شدت بر قدرت بسیج
ست: اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال ۱۳۷۶، بزرگ‌ترین
ت این همایش بزرگ همین بس که بالغ بر شش هزار میهمان خارجی
وسای جمهور یا پادشاهان، نخست‌وزیران و وزرای امور خارجه در
ه همین بسیجیان برقرار شده بود. اصولا امنیت اجلاس سران، یک
د صد هزار نیرو برای امنیت غیرمحسوس این اجلاس در نظر گرفته
ی هزار نفر بود. ولی خدا می‌داند که نزدیک به ۶۳ هزار بسیجی آمده
برند.

ایستگاه

روایت محمد توسلی از تدوین پیش‌نویس اساسنامه سپاه پاسداران

در چرایی شکل گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران باید به دوران پیروزی انقلاب بازگشت؛ دوره‌ای که سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که چشم و مغز و مشت رژیم پهلوی به شمار می‌رفت از هم پاشیده بود، ارتش با فرار شاه به عنوان فرمانده کل و فرماندهان بلندپایه و خلع سلاح پادگان‌ها گرچه ساختارش را حفظ کرد اما منفعل شده بود، چنان که در آستانه پیروزی انقلاب فرماندهان ارتش طی بیانیه‌ای اعلام بی طرفی کرده بودند؛ پلیس شهرهای مختلف و ژاندارمری با خلع سلاح از سوی مردم فرو پاشیده بود و در مجموع نیروی امنیتی و انتظامی برای کنترل امور وجود نداشت و نیروهای مردمی امنیت شهرها را در اختیار داشتند. در حالی که پس از ۲۲ بهمن برای اعمال حاکمیت عملا ابزار امنیتی و انتظامی در اختیار نداشت و همین امر نگرانی رهبری و شورای انقلاب را موجب شده بود.

اعلام تشکیل گارد ملی

فقدان نیروهای نظامی حافظ امنیت با واکنش رهبر فقید انقلاب مواجه شد که اعلام کردند برای جلوگیری از تشنجات و ایجاد نظم، «گارد ملی» تشکیل شود. تشکیل گارد ملی به دولت موقت و از سوی آن به دکتر ابراهیم یزدی معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب سپرده شد و او با توجه به همکاری‌ای که با یکدیگر داشتیم و بالاخص کارشناسی ارشد بنده در آمریکا در زمینه سازماندهی، تصدی امور مربوط به تدوین اساسنامه آن را به من سپرد. همزمان امام حکمی به آیت‌الله لاهوتی دادند و وی نماینده رهبر انقلاب در پروژه تشکیل گارد ملی شد. من و لاهوتی در پادگان باغشاه (و بعدها پادگان لاهوتی) مستقر شدیم و از ۲۳ بهمن تا ۷ اسفند (که من به شهرداری تهران رفتم) پیش‌نویسی برای اساسنامه گارد ملی تدوین کردیم که این پیش‌نویس به معاونت امور انقلاب (دکتر یزدی) سپرده شد. در این پیش‌نویس شورای فرماندهی و واحدهایی در زیرمجموعه آن پیش‌بینی شده بود. شورای فرماندهی ۵ عضو داشت؛ نماینده وزارت کشور که مسوولیت حفظ امنیت کشور را دارد (سرگردی از ژاندارمری)، نماینده دادستان کل کشور (آقای شهشهانی دادستان کل آقای فاتحی را معرفی کردند)، نماینده ستاد مشترک (سرهنگ دیزجی)، نماینده مقام رهبری (آیت‌الله لاهوتی) و نماینده دولت (دکتر ابراهیم یزدی). واحدهای زیرمجموعه شامل واحد آموزش و واحد اطلاعات و تحقیقات بود. این اساسنامه در شورای فرماندهی به تصویب رسید و ظاهرا در مرحله بعد، پس از تایید شورای انقلاب در دوم شهریورماه سال ۵۸ رهبر فقید انقلاب آن را رسما اعلام کردند. تهیه این پیش‌نویس برگرفته از تجربه‌ای بود که در سازماندهی نهادهای اجتماعی در ایران و سپس در خارج از کشور اندوخته بودم.

سپاه به جای گارد

یکی از گام‌های اولیه بحث انتخاب نام بود؛ چرا که نام گارد ملی در بعد اثرگذاری اجتماعی مناسب تشخیص داده نشد و می‌توانست تداعی کننده نام گارد شاهنشاهی باشد و در مجموع این نام نمی‌توانست اهداف راهبردی که این نهاد بر پایه آن شکل گرفته بود را نمایندگی کند. نامی که انتخاب شد «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» بود؛ قرار شد نام سپاه جایگزین گارد شود، چرا که «سپاه» پس زمینه ذهنی مثبتی در جامعه داشت در مجموع فکر کردیم اگر از واژه سپاه استفاده شود، پذیرش اجتماعی بیشتری خواهد داشت.

حتی در دوره حضورم در شهرداری تهران در شورای نامگذاری پیشنهاد شد نام خیابان سلطنت‌آباد که در طول آن تاسیسات ارتش و سپاه وجود داشت به خیابان «پاسداران» تغییر یابد.

پنج «لا»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مامور پاسداری از ارزش‌های انقلاب شد؛ پاسداری از مطالبات تاریخی یکصد ساله مردم ایران که با به ثمر رسیدن انقلاب بایستی از آن محافظت می‌شد. در مجموع ۵ ارزشی که جزو مطالبات انقلاب بود و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مامور پاسداری از آن شد، عبارت بود از: نفی استبداد و اینکه مردم در پی جایگزینی آزادی به جای استبداد بودند؛ نفی استیلای بیگانه و حفظ استقلال کشور که بالاخص پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مردم را رنج می‌داد؛ نفی استثمار طبقاتی که همانا مطالبه عدالت بود؛ نفی حاکمان مستبد و اقتدارگرا که در رکن جمهوریت نظام و حاکمیت ملت متبلور شد و نفی ابتذال فرهنگی حاکم بر جامعه پیش از انقلاب که فرهنگ بیگانه آن را تزریق می‌کرد و باید ارزش‌های اسلامی و ملی جایگزین آن می‌شد. سپاه پاسداران نهادی تعریف شد که بایستی مدافع این ۵ ارزش اصولی انقلاب باشد. همین ارزش‌ها در آرم سپاه هم تبلور یافت. «لا» موجود در آرم سپاه ۵ نفی پیش گفته است برگرفته از «لا» منقوش در آرم حسینیه ارشاد و «نه» موجود در ادبیات دکتر شریعتی و همه برگرفته از «لا»ی لا اله الا الله.

پس از تصویب پیش‌نویس اساسنامه در شورای فرماندهی و شروع کار واحدهای زیرمجموعه و انتخاب فرماندهان سپاه در چند مرکز استانی (آذربایجان، زنجان، رشت و...) و پس از برگزاری اولین گردهمایی فرماندهان و فعالان سپاه پاسداران در پادگان عباس‌آباد که من و لاهوتی نیز در آن شرکت داشتیم جمعی که با حضور چنین نهادی در دولت موقت موافق نبودند، در پادگان جمشیدیه نهادی موازی تشکیل دادند و در همان فروردین ماه ۵۸ پس از انتقال آقای دکتر یزدی به وزارت امور خارجه، نهاد سپاه از دولت موقت جدا شد و زیرمجموعه شورای انقلاب قرار گرفت. دکتر چمران که در دولت موقت جایگزین دکتر یزدی یعنی معاونت امور انقلاب شده بودند اقدام به تشکیل نیروی ویژه کردند و بنابراین در فاصله اندکی برخی در شورای انقلاب خواستار آن شدند که مدیریت سپاه از کنترل دولت موقت خارج شود؛ بر این اساس مدیریت و فرماندهی سپاه از دولت موقت خارج شد.

نهادی برای دوران انتقال

ما برای سپاه پاسداران عمر دیرپایی متصور نبودیم؛ به نظر ما سپاه پاسداران تا زمانی بایستی به فعالیت خود ادامه می‌داد که نهادهای دیگر نظامی تعریف شده و استقرار یابند. در نگاه نخست، از نظر ما در آن روز سپاه نهادی برای دوره انتقال تعریف می‌شد که با شکل گیری و قوام نهادهای رسمی لازم، کارکردهای سپاه نیز به آنها واگذار می‌شود. اما در تدوین قانون اساسی با تعریف آن به عنوان نهادی نظامی، سپاه تبدیل به نهادی دائمی در کنار ارتش شد. سپاه نه فقط از کسوت نهادی موقت به دائمی درآمد که ساختاری یافت که تنها در قامت فرهنگی- نظامی نمی‌گنجد بلکه عملا فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و عمرانی نیز جزو کارکردهای آن شده است.

تشکیل شد؟

دلیری ●

قدیانی، دوزدوزانی وهاشم آغاجری بود نیز به دنبال انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اولیه، به تدریج از سپاه خارج شدند و فعالیت سیاسی خود را از سال ۷۰ با تشکیل مجدد سازمان مجاهدین انقلاب پی گرفتند.

به هر حال مسوول روابط عمومی سپاه در اردیبهشت ماه اعلام کرد، سپاه زیر نظر شورای انقلاب اداره می‌شود و دولت موقت نیز بر آن نظارت دارد.

از سوی دیگر در آن هنگام تشکیل چندین گروه مسلح و نیمه‌مسلح موازی درون سپاه بود، گارد انقلاب تحت نظر عباس زمانی مشهور به ابوشریف، گارد دانشگاه (پاسا) با نظارت شهید محمد منتظری و افراد گروه‌های مسلح مبارز قبل از انقلاب که سازمان مجاهدین انقلاب را شکل داده بود.

«سپاه تشکیل شده بود و کار ادامه داشت اما همخوانی مناسبی میان افرادی که در این سه تشکل فعالیت می‌کردند، نبود. بعضا هم با افرادی که در جاهای مختلف بودند، درگیری پیدا می‌کردیم. مثلا خبر می‌دادند که جایی اسلحه جمع شده است، می‌رفتیم و می‌دیدیم قبل از ما گروه آقای منتظری یا ابوشریف رسیده است؛ چند بار این اتفاق‌ها به این شکل افتاد.» (محسن رفیق‌دوست، گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، دوم اردیبهشت سال ۸۶) بدین ترتیب، قرار شد از هر کدام از این مراکز (گارد انقلاب، خود سپاه، گارد دانشگاه و سازمان مجاهدین) ۳ نفر انتخاب شوند تا این ۱۲ نفر بنشینند و بحث ادغام را پیگیری کنند. از هر کدام از گروه‌ها افرادی می‌روند در محل پادگان جمشیدیه و به‌طور مرتب جلساتی تشکیل می‌دهند. پس از تشکیل ۳ یا ۲ جلسه موضوع به شورای انقلاب انتقال داده می‌شود و موسسان سپاه تصمیم گرفتند تا این گروه‌ها را در هم ادغام کنند.

«پاییز ۵۸ از ابوشریف و شهید منتظری و شهید محمد بروجردی از سوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی دعوت کردم و در اتاقی که در آنجا جمع شده بودیم را قفل کردم. یک کلت کمری ۴۵ داشتم آن را روی میز گذاشتم و گفتم افرادی که از هر ۴ گروه موجود می‌شناسم، همه یک هدف را تعقیب می‌کنند که ایجاد نیرویی برای حفاظت از انقلاب است. شما مبنای قانونی ندارید. حکم ما از سوی امام است که ما را مجاز به فعالیت زیر نظر دولت موقت کرده است. انتقاد عمده آنها به سپاه نظارت دولت موقت بر آن بود که گفتم در هر صورت این حکم امام است. گفتم اگر در این جلسه نتوانیم به نتیجه‌ای برسیم، اول شما سه نفر را می‌کشم، بعد خودم را و همه را راحت می‌کنم.» (محسن رفیق‌دوست، گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، دوم اردیبهشت سال ۸۶)

بر همین اساس ۱۲نفر از چهار تشکل مسلح سپاه، گارد دانشگاه، سازمان مجاهدین انقلاب و گروه ابوشریف، طی ۳ ماه در جلساتی که در پادگان جمشیدیه و با حضور رفسنجانی تشکیل می‌دادند، ادغام را به انجام رساندند و روایت دیگر را عباس دوزدوزانی مطرح می‌کند که ادغام را بر اساس فرمان امام می‌دانند: «در آخرین روز فروردین سال ۵۸ که امام خمینی(ره) در قم به سر می‌بردند، اعضای شورای ۱۲نفره (نمایندگان سادجا شهیدان منتظری، نامجو و کلاهدوز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، شهید بروجردی، محسن رضایی، محسن سازگارا و گاهی الویری، دولت موقت رفیق‌دوست، دانش جعفری و دکتر افروز و از طرف زندانیان سیاسی قبل از انقلاب جواد منصوری، ابوشریف، دوزدوزانی و برخی مواقع ابراهیم محمدزاده) به این نتیجه رسیدند تا برای کسب تکلیف از امام(ره) خدمت ایشان برسند و نتیجه تصمیم‌های خود را به اطلاع ایشان برسانند به همین جهت این شورا تصمیم گرفت تابنده و آقایان محسن رضایی و رفیق‌دوست خدمت امام(ره) برسیم. ما امام خمینی(ره) را در اتاقی که ایشان تفسیر سوره حمد می‌فرمودند ملاقات کردیم. در آن دیدار امام(ره) رو به ما فرمودند «مساله‌ای که دنبال می‌کردید چه شد؟» من گفتم «تقریبا به نتیجه رسیده‌ایم ولی هنوز دولت موقت به ویژه آقای یزدی معتقدند باید سپاه را دولت تشکیل دهد.» امام(ره) هم این مساله را نفی کردند و فرمودند بروید سپاه را تشکیل دهید و ما این فرموده امام(ره) را فرمان دانستیم. ما با شور و شعف به تهران بازگشتیم و در جلسه شورای ۱۲ نفره، سخنان امام(ره) را به دوستان اعلام کردیم، در آن جلسه نیز دوستان به بنده ماموریت دادند تا بیانیه تشکیل سپاه پاسداران انقلابی را بنویسم و در روز دوم اردیبهشت ۵۸ این بیانیه در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید. ما در آن بیانیه ضرورت، اهداف و وظایف سپاه را شرح داده بودیم.»

به دنبال ادغام، شورای فرماندهی اولیه سپاه منحل و جای خود را به شورای فرماندهی جدید داد؛ جواد منصوری فرمانده، شهید یوسف کلاهدوز مسوول آموزش و عضو شورای فرماندهی، محمد غرضی مسوول فرمانده عملیات و عضو شورای فرماندهی، محسن رفیق‌دوست مسوول تدارکات و عضو شورای فرماندهی،، علی محمد بشارتی مسوول اطلاعات و تحقیقات و عضو شورای فرماندهی، عباس زمانی (ابوشریف) مسوول واحد عملیات و عضو شورای فرماندهی، سیداسماعیل داوودی مسوول اداری و مرتضی الویری مسوول روابط عمومی می‌شوند.

در ۱۶ اردیبهشت ستاد فرماندهی سپاه طی اطلاعیه‌ای اهداف و وظایف این نیرو را اعلام کرد. کمک به اجرای امور انتظامی و امنیتی و کنترل، تعقیب و دستگیری عناصر ضدانقلاب، مبارزه مسلحانه با جریان‌های مسلحانه ضد انقلاب، دفاع در برابر حملات قوای بیگانه، همکاری و هماهنگی موثر با نیروهای مسلح، تربیت و آموزش کادر سپاه، کمک در اجرای دستورات دادگاه انقلاب، حمایت از نهضت‌های آزادیبخش تحت نظارت رهبری انقلاب و مشورت دولت، استفاده از نیروی متخصص در هنگام بروز حوادث غیر مترقبه و کمک به پیشبرد طرح‌های عمرانی عناصر ضد انقلاب سپاه ظرف یک ماه یعنی تا خرداد ۱۳۵۸ در ۲۹ شهر کشور ایجاد و در ۴۰ شهر دیگر تاسیس سپاه در دست اجرا قرار می‌گیرد. همزمان با این تحولات اصلی در قانون اساسی که در مجلس خبرگان در حال تدوین بود به سپاه اختصاص می‌یابد.

سپاه شکل می‌گیرد، اما جنگ تحمیلی ۸ ساله رخ می‌دهد. وضعیت سپاه نیز عوض می‌شود. با شروع جنگ، سپاه جوهره خود را نشان داد. در کنار ارتش رکن دفاع از کشور به شمار آمد و به یک نهاد تمام عیار انقلابی تبدیل شد. مقامات کشور نیز در آن مقطع برای سپاه سازو کار اداری و قانونی ترتیب دادند.

در سال ۶۱ اساسنامه سپاه که مصوب شورای انقلاب بود، به صحن مجلس رفت و به شور گذاشته شد. در ۱۵ شهریور همان سال این اساسنامه در ۴۹ ماده مصوب شد. براساس این اساسنامه وظیفه دفاع، مبارزه قانونی جزو وظایف سپاه ماند اما حمایت از نهضت‌های آزادیبخش و حمایت از مستضعفان از روی دوش سپاه برداشته شد.

در این اساسنامه وزارت سپاه هم به‌عنوان یکی از ارکان سپاه پیش‌بینی شد و محسن رفیق‌دوست اولین و آخرین وزیر سپاه شد، اما در کنار آن یک فرمانده واحد سپاه نیز وجود داشت.

«سال ۶۰ زمانی که بنی صدر رفت پیشنهاد کردیم حضرت امام(ره) به عنوان فرمانده کل قوا؛ فرماندهی برای سپاه منصوب کنند تا سپاه منسجم شود و قوت بگیرد. ایشان هم فرمودند که شورای فرماندهی سپاه فردی را معرفی کند. در آن مقطع زمانی بود که آقای رضایی مسوول اطلاعات سپاه شده بود. آقای بشارتی نیز نمایندگی مجلس را بر عهده داشت. لانه جاسوسی فتح شده بود و عده‌ای از بچه‌های لانه جاسوسی نیز به سپاه آمده بودند افرادی مثل رضا سیف‌اللهی که البته با آقای رضایی در اطلاعات کار می‌کرد. برای اجماع روی یک فرد همه ما به باغ شیان -باغ پذیرایی ساواک- رفتیم. آن باغ به طور کلی دست من بود. علاوه بر افراد عضو شورای فرماندهی؛ شهید محلاتی و آقای موسوی خوئینی‌ها هم حضور داشتند. به اتفاق آرا به این نتیجه رسیدیم که بهترین کسی را که برای فرماندهی سپاه می‌توانیم خدمت امام(ره) معرفی کنیم، شهید کلاهدوز است. بنا شد این موضوع را فردای آن روز خدمت حاج احمدآقا اعلام کنیم. به خاطر دارم زمانی که پس از پایان جلسه به خانه رفتم صبح هنوز هوا تاریک بود، متوجه شدم کسی در می‌زند. در را باز کردم و دیدم شهید کلاهدوز در حالی که عبایی بر دوش انداخته، پشت در ایستاده است. از زیر عبایش قرآنی درآورد و مرا به قرآن قسم داد که او را فرمانده نکنیم. دلیلی هم برای اصرار بر خواسته خود مطرح کرد. پرسیدم که پس چه کار کنیم؟ گفت که محسن را انتخاب کنید.

آقای رضایی در آن جلسه سه رای آورده بود در حالی که شهید کلاهدوز ۷ رای داشت. بالاخره یک رای اضافه کردیم و رای آقای رضایی به ۴ رسید. شهید محلاتی با فرماندهی آقای رضایی مخالف بود. خدمت حاج احمدآقا زنگ زدم و قضیه را کاملا تشریح کردم. دلیل مخالفت آقای کلاهدوز با فرماندهی خودش را هم به او گفتم. ایشان هم دلیل را پسندید. گفتم ۳ نفر با آقای رضایی مخالفند، مخصوصا آقای محلاتی با او مخالفت داشت. احمدآقا هم گفتند مطلب را به امام(ره) اطلاع دادند و امام(ره) هم فرموده بودند که چون من تا به حال برای فرمانده سپاه حکم ندادم خود آقایان متنی بنویسند و بیاورند. من و رضا سیف‌اللهی متنی نوشتیم. متن را به احمد آقا دادم، البته در نهایت متنی که امام(ره) نوشتند غیر از آن متنی بود که ما دادیم. به کلی عوض شده بود. ظاهرا امام(ره) می‌خواستند ما را امتحان کنند! خلاصه ساعت ۲ رادیو حکم را خواند. تا زمان رحلت امام(ره) آقای رضایی فرمانده سپاه باقی ماند.» (محسن رفیق‌دوست، گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، دوم اردیبهشت سال ۸۶)

***

پس از جنگ، علاوه بر وظیفه دفاعی سپاه وظیفه سازندگی هم بر آن افزوده شد تا امروز که در عصر جدید سپاه با وظایف جدیدتری هم مواجه شده است «مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی».

بدون مرز

بازتاب‌های خارجی تشکیل سپاه‌های استانی

● رعنا زوره ●

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای مقابله با تهدیدات احتمالی دشمنان دست به تغییر ساختار می‌زند، این موضوع طی هفته‌های گذشته در صدر اخبار داخلی و خارجی قرار گرفت. با تاکید فرماندهان سپاه پاسدارن بر این تغییرات ساختاری این موضوع با دیدگاه‌ها و واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شد. به‌طور کلی این نهاد نظامی درصدد است تا با تشکیل سپاه استانی در راستای ارتقای آمادگی، تمرکززدایی و توانمندسازی گام بردارد. سپاه‌های مستقل استانی به منظور ارتباط هرچه بیشتر سپاه و بسیج در ۳۱ استان کشور به صورت مستقل ایجاد و تهران بزرگ با توجه به اهمیت خود یک سپاه مستقل محسوب می‌شود. این تغییرات که با عنوان ساختار جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جهت استانی کردن این نهاد حرکت می‌کند به تایید و تصویب فرمانده کل قوا رسیده است. طرح تغییر ساختار سپاه که در راستای مقابله با تهدیدات خارجی صورت می‌گیرد از سوی رسانه‌های خارجی واکنش‌های مختلفی را در پی داشت. بر این اساس در حالی که نشریه فایننشال تایمز از طرح تغییر ساختاری سپاه چنین یاد می‌کند که سپاه پاسداران در تلاش برای تقویت نیروهای زمینی و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی به طرحی رو آورده که از آن به عنوان «اصلاحات ساختاری» یاد می‌شود، بی‌بی‌سی تنها به طرح خبر این تغییرات ساختاری در سپاه می‌پردازند و از ارائه هر گونه تحلیل در این راستا پرهیز می‌کند. اما فایننشال تایمز در تحلیل خود آورده است که این تغییرات زمانی صورت می‌گیرد که نگرانی بر سر احتمال تهاجم نظامی آمریکا یا اسرائیل به ایران در سال جاری افزایش یافته است. در گزارش فایننشال تایمز به نقل از تحلیلگران در تهران آمده است: این اقدام سپاه تلاشی در جهت تحکیم قدرت آن از طریق گسترش نیروهایش در سراسر خاک ایران است. رادیو آمریکا نیز در این خصوص سعی کرده ضمن بررسی مصاحبه سردار جعفری فرمانده کل سپاه با روزنامه جام جم در هشتم تیرماه، موضوع تغییرات در ساختار سپاه را نیز مدنظر قرار دهد. این رادیو با استفاده از عنوان سپاه استانی تاکید دارد که آنچه طی دو هفته گذشته در رسانه‌های ایران به عنوان «سپاه استانی» خوانده می‌شود روز نهم تیرماه متولد شد. در آن روز حسین طائب فرمانده نیروی مقاومت بسیج که یکی از شاخه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است از «عملیاتی شدن ۳۱ سپاه استانی در ایران» خبر داد. رادیو فردا در ادامه این خبر به تشریح اظهارنظرهای مختلف فرماندهان سپاه در خصوص سپاه استانی می‌پردازد و البته تحلیلی روی این موضوع ارائه نمی‌کند، اما در عین حال این رسانه به بررسی مصاحبه سردار جعفری می‌پردازد: «سردار جعفری در این مصاحبه در واکنشی به گزارش دو هفته پیش روزنامه نیویورک تایمز گفت: «در حال حاضر احتمال عملی شدن حمله نظامی را نسبت به مقاطع گذشته باید جدی‌تر بگیریم.» روزنامه نیویورک تایمز، دو هفته پیش، از مانور هواپیماهای جنگنده ارتش اسرائیل بر فراز مدیترانه خبر داده بود و این احتمال را مطرح کرده بود که ممکن است این مانور تمرینی برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران باشد. رادیو آمریکا همچنین اظهارات فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را مبنی بر اینکه ایران هر گونه حمله به تاسیسات هسته‌ای خود را به عنوان «آغاز جنگ» تلقی می‌کند، تشریح می‌کند و در ادامه این مواضع را دومین واکنش سردار جعفری به موضوع حمله احتمالی به ایران طی یک هفته گذشته می‌خواند. اکونومیست هم در شرایطی که بحث تغییر ساختار در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطرح است به اظهارات اخیر سردار جعفری می‌پردازد که از افزایش خطر حمله آمریکا به ایران در ماه‌های آخر عمر دولت بوش خبر می‌دهد و این اظهارات را معقول می‌خواند. در این راستا رسانه‌های خارجی علاوه بر تشریح تغییرات ساختاری در سپاه به تحلیل و بررسی مواضع فرمانده کل این نهاد در راستای چگونگی مقابله با تهدیدات جدید خارجی پرداختند.

تیتر یک

نگاهی به تحولات یک‌ساله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سپاه؛ عصر جدید - ساختار تازه

ادامه از صفحه ۷

سردار جعفری قبل از حضور در مرکز راهبردی سپاه پاسداران در فرمانده نیروی زمینی بود، در آن هنگام وی تاکید داشت که این ادغام باید انجام شود اما نظر فرمانده وقت کل سپاه بر این موضوع نبود اکنون که او فرمانده کل سپاه شده این پیشنهاد را مطرح کرد و تصویب فرماندهی معظم کل قوا را هم گرفت. در دوران دفاع مقدس بسیج در لشکرها و تیپ‌های سپاه حضور داشت و لشکرهای سپاه به واسطه حضور بسیجیان آماده دفاع و انجام عملیات می‌شد. پس از سالهای دفاع مقدس برای فرماندهی واحد بسیج و نیروی زمینی سپاه‌های کشور در استانها راه اندازی شد. در این ساختار فرماندهی بسیج هر استان زیر نظر فرمانده لشکر و فرمانده نیروی زمینی استان بود. در آن زمان بسیج زیر نظر فرمانده سپاه بود و لشکر دیگر استان هم زیر نظر فرمانده سپاه اداره می‌شد. بعد از سال ۷۳ مجددا تغییراتی در سپاه انجام و تشکیل نیروی مقاومت بسیج باعث شد که سپاه و بسیج تفکیک شده و نیروی مقاومت بسیج و نیروی زمینی هم در استانها درکنار هم به ماموریت خود بپردازند

***

مرد خبرساز این روزهای سپاه، این روزها سخت سرگرم نظارت بر حسن اجرای بندهای کتابچه ماموریتش است؛ کتابچه‌ای که در عصر جدید سپاه پاسداران، ساختاری تازه‌ای را بر این نهاد ۳۰ ساله رقم می‌زند. ساختاری که اولویت نخست آن «مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی» است.

آخرین فهرست تغییرات استانی سپاه

استان	فرمانده جدید
سپاه فجر استان فارس	سردار غیب‌پرور
سپاه سلمان سیستان و بلوچستان	سردار محمدزاده
سپاه استان کرمانشاه	سردار علی عظیمی
سپاه استان همدان	سردار عبدالرضا آزادی
سپاه فتح استان کهکیلویه و بویراحمد	سردار شهابی‌فر
سپاه روح‌الله استان مرکزی	سردار محمدتقی شاهچراغی
سپاه قمر بنی هاشم(ع) چهارمحال و بختیاری	سردار رضا محمدسلیمانی
سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ	سردار عبدالله عراقی
سپاه حضرت ولی‌عصر(عج) خوزستان	سردار کاظمینی
سپاه صاحب‌الزمان(عج) استان اصفهان	سردار غلامرضا سلیمانی
سپاه ثارالله استان کرمان	سردار روح‌الله نوری
سپاه صاحب‌الامر(عج) استان قزوین	سردار سالار آبنوش
سپاه سیدالشهدای استان تهران	سردار علی فضلی
سپاه عاشورا آذربایجان شرقی	سردار محمدتقی اوصانلو
سپاه قدس استان گیلان	سردار هامون محمدی
سپاه حضرت ابوالفضل لرستان	سردار محمد شاهرخی

ت‌وگو

حیم صفوی

ی به سپاه نمی‌کرد

جادی پور ●

و با هماهنگی ارتش اجرا شد که واقعا حصر آبادان شکسته شد. در آن مقطع این واقعا تصمیم گیری حساسی بود. یعنی جایی بود که بنی صدر نمی‌خواست بپذیرد. من در این بخش برمی‌گردم به خاطراتی که حضرت آقا در جبهه و جنگ دارم. من اوایلی که از کردستان آمدم به خوزستان، به منطقه‌ای به نام دارخوئین رسیدم و از آنجا هم آرام آرام رفتم به روستایی به نام سلمانیه. بعد هم رفتم به محمدیه و در امتداد کانال آبی که آنجا بود، اولین خط دفاعی آن منطقه را در مقابل عراقی‌ها تشکیل دادیم؛ اسم آن خط دفاعی را هم گذاشتیم خط شیر. چه کسانی بودند؟ بنده بودم، حسین خرازی و مصطفی ردانی‌پور و حدود ۱۲۰ نفر پاسدار و بسیجی نیز دیگر بودند. از آنجا شروع کردیم آرام آرام به سمت دشمن پیشروی کردن. آن زمان حضرت آقا در استانداری اهواز به اتفاق شهید چمران، ستاد جنگ‌های منظم را سامان داده بودند و خود آقا، دکتر چمران را گذاشته بودند برای فرماندهی آنجا. در حقیقت آقا گفته بودند که چه کار بکنند و چه کار نکنند. من هر موقع از دارخوئین می‌آمدم به اهواز، خدمت آقا می‌رسیدم. تقریبا مهرماه سال ۵۹ بود؛ اول جنگ. در همان منطقه سلمانیه و روستای محمدیه، یک شب با حدود ۲۵ نفر از پاسدارها و بسیجی‌ها رفتیم تا عملیاتی علیه عراقی‌ها انجام بدهم. از کنار کارون و از میان درخت‌ها و بوته‌زارها حرکت می‌کردیم؛ ساعت از دو بعد از نیمه شب گذشته بود. همین طور که می‌رفتیم، نرسیده به آن خاکریزی که دشمن زده بود، یک مرتبه چیزی جلوی چشم ما ظاهر شد و با یک فاصله نسبتا ۱۰۰ متری، یک انفجاری جلوی چشم ما به وجود آورد. تا انفجار حاصل شد، دشمن همان منطقه‌ای را که رفته بودیم، شروع کرد به تیربار زدن و خمپاره زدن و ما سینه‌خیز و به صورت ناگواری عقب‌نشینی کردیم. سرها و سینه‌هامان را آنقدر توی خاک فرو می‌بردیم که تیرهایی که از بغل گوشمان رد می‌شد، به ما اصابت نکند. به سختی برگشتیم.

فردا صبح زود من به یکی از عزیزان پاسدار گفتم تو برو شناسایی کن که چه اتفاقی جلوی ما افتاد. آن عزیز که نیروی شناسایی بسیار قوی و جوانی بود، رفت و برگشت. به من گفت از آن منطقه‌ای که رفته بودیم، ۵۰، ۶۰ متر جلوتر یک گاو روی میدان مین رفته بود. ما اصلا نمی‌دانستیم که جلوی ما را مین گذاری کرده بودند. مین گذاری مفهومش این بود که دشمن به لاک پدافندی و دفاعی رفته است.

وقتی که برای گرفتن مهمات و سلاح و بی‌سیم خدمت آقا رسیدم در همان ستاد جنگ‌های نامنظم اهواز، همین داستان را برای حضرت آقا گفتم که ما رفتیم عملیات انجام بدهم، چنین حادثه‌ای رخ داد. ایشان پا شدند و پیشانی ما را بوسیدند و یک جمله‌ای فرمودند که هنوز توی گوش من هست. فرمودند که آن گاو مامور از جانب خدا بوده که قربان شما بشود که شما بدانید جلوتان مین هست و این نکته جالبی بود که آقا برداشت کردند. بعد هم به ما بی‌سیم دادند و هم یک نامه نوشتند به آقای سرهنگ فروزان که فرمانده ستاد اروند در ماهشهر بود که به ما کمک کند.

چیز دیگری هم درباره جلسات شورای عالی دفاع به خاطر دارید؟

خاطره دومی که در ذهن دارم، مربوط به یکی از جلسات شورای عالی دفاع است که بنی صدر تشکیل داده بود. من و شهید حسن باقری هم به آن جلسه رفتیم. ارتشی‌ها گزارش‌هایشان را دادند و مسائلی را از زاویه دید خودشان مطرح کردند. بعد نوبت به ما سپاهی‌ها رسید. من به حسن باقری که مسوول اطلاعات بود، گفتم که شما برو پای نقشه. حضرت آقا یک نگاه به ما کردند. آن موقع خود من یا ۴۸ کیلو بودم یا حداکثر ۵۰ کیلو؛ خیلی لاغر. فانوسقه را دو دور، دور کمرم بسته بودم. حسن باقری که دیگر از من خیلی لاغرتر بود. عکس‌هایش را که دیده‌اید. آقا یک نگاه به ما کردند که این جوان حالا جلوی بنی صدر چه می‌خواهد بکند؟ حسن باقری رفت و قشنگ تمام خط‌های جبهه نبرد را دقیق توضیح داد؛ اینجا چه واحدی از دشمن هست، چه لشکری هست، چه ارگانی هست، حتی دشمن از اینجا می‌خواهد حرکت کند به کدام سمت و... وضعیت جبهه‌ها و خاکریزها را خیلی دقیق تشریح کرد. هرچقدر حسن باقری بیشتر حرف می‌زد، آقا خوشحال‌تر می‌شدند که بچه‌های انقلاب و بچه‌های امام این طور دقیق و مسلط به مسائل نظامی نگاه می‌کنند. آن جلسه هم برای ما و هم برای حضرت آقا خیلی جلسه جالبی بود، بسیار زیبا. این را هم بگویم که ما با اینکه فرمانده عملیات خوزستان بودیم، اما بنی صدر اصلا ما را به جلسه‌هایشان راه نمی‌داد. ما می‌رفتیم خدمت آقا و آقا دست ما را می‌گرفت و می‌برد در جلسه. بنی صدر هم دیگر جرات نمی‌کرد چیزی بگوید. اصلا حضور ما در آن جلسات، با حمایت حضرت آقا بود تا واقعیت‌های جنگ را برای اعضا بگوییم.

راجع به ترور آقا و پیش‌زمینه‌هایش تحلیل‌تان چیست؟

بنی صدر علاوه بر اینکه از فرمانده کل قوا حذف شد، در مجلس شورای اسلامی هم عدم کفایتش برای ریاست جمهوری تصویب شد. یکی از کسانی که سخنانش در مجلس بسیار موثر واقع شد، سخنان مقام معظم رهبری بود. ایشان به عنوان نماینده مردم تهران سخنرانی کردند که من یک جمله از آن سخنرانی را در ذهن دارم. آقا فرمودند: «آقای بنی صدر! ۷ ماه پیش جنگ شروع شد. شما هفت ماه فرماندهی کل قوا را داشتید، چرا ارتش را سامان ندادید؟ چرا نیروهای مسلح را سامان ندادید؟ چرا آنها را آماده دفاع از کشور نکردید؟» این سخنان خیلی مستدل و منطقی و متین بود و در مجلس شورای اسلامی زمینه رای به عدم کفایت سیاسی بنی صدر را فراهم کرد. اما درباره فرار بنی صدر و دست دادنش با منافقین، در حقیقت بنی صدر می‌خواست یک انتقامی از مخالفانش بگیرد، این شد که هم ترور حضرت آقا را سامان دادند و هم بمب گذاری هفت تیر را و هر دو اینها کار منافقین بود.

ادامه در صفحه ۱۱